



دوستان عزیز سلام

در طول این سال‌ها که نساجی امروز را منتشر می‌کنیم، بارها و بارها از زبان صنعت‌گران و متخصصین و مدیران صنعت درد دل‌های کوتاه اما پر مفهومی شنیده بودم که به دلیل محدودیت‌هایی (از جمله عدم تمایل اشخاص به مصاحبه و یا عدم تمایل به درج نام بدلیل مسائل شخصی و شغلی و ...) امکان چاپ آنرا نداشتیم و یا گاهی این درد دل‌ها بقدری مختصر و مفید بود که امکان طرح آن در قالب مصاحبه مقدور نبود و همچنین بارها و بارها شنیده‌ام که یکی از بزرگترین مشکلات صنعت نساجی ما حرف نزدن متخصصین و مدیران صنعت است و اینکه طرح مسائل و مشکلات فقط از زبان و بیان و دیدگاه اشخاص خاصی صورت می‌گیرد و بقیه فقط نظاره‌گرند ... و سالها بود دنبال فرصتی بودیم تا بتوانیم راه حلی برای این موضوع پیدا کنیم که به مدد پیشرفت تکنولوژی موفق به تشکیل "کلب اینترنتی متخصصین و مدیران صنایع نساجی" شدیم تا گپ و گفت‌های خودمانی و تحلیل‌های شخصی خود را به اشتراک بگذارند و از آنجا که مجله نساجی امروز بعنوان تریبون پرمخاطب نساجی ایران بدست مدیران و مسولین دولتی اعم از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نیز مدیران و صاحبان صنایع و صنعتگران دلسوز و نیز متخصصین و مهندسیین سخت‌کوش و اساتید محترم دانشکده‌های نساجی میرسد امیدواریم با طرح این دیدگاهها در سرفصل جدید کلوب متخصصین نساجی و پوشاک، بتوانیم گامی موثر در راستای تعامل و هم‌اندیشی بیشتر اعضای خانواده نساجی ایران برداریم. همچنین شماره موبایل ۰۹۱۳۳۰۵۳۵۳۹ و یا ۰۶۸۲۰۶۶۹۰۶۶۹۰ سامانه دریافت و ارسال پیام کوتاه موسسه نساجی امروز آماده دریافت نظرات و دیدگاه‌های ارزشمند شما برای چاپ در مجله می‌باشد. از اینکه ما را با طرح دیدگاه‌های ارزشمندتان یاری می‌دهید صمیمانه سپاسگزاریم.

من تقریباً ۱۳-۱۴ ساله که مجله نساجی امروز رو دارم و تو این مدت تقریباً با طیف‌های وسیعی از مهندسیین مدیران و متخصصین و کارآفرینان و سرمایه‌گذاران صنعت ارتباط داشتیم و تقریباً نگاه قالبی که با آن مواجه بودم نارضایتی از شرایط محیط بوده یعنی اون چیزی که ما اسمشو عوامل برون سازمانی می‌گذاریم ... کمتر دیدم افرادی مثل دکتر بهزادان و مهندس سرشارزاده که عوامل درون سازمانی رو هم مطرح کنند. مثلاً تو این همه مصاحبه کسی تا حالا نگفته که مثلاً ما تو بحث تعمیر و نگهداری مشکل داریم یا تو مدیریت انرژی یا تو بهره‌وری یا زمانسنجی یا منابع انسانی یا آموزش با هر مشکل فنی و مدیریتی و علمی دیگه از تصفیه پساب و رنگرزی و تکمیل بگیر تا بازار و طراحی و فروش و ... تو سمینار و کنفرانس‌ها که مدیران دولتی هم بعضاً هستند که دیگه هیچ ... همه مشکلات ناشی از دولته و همه از بیمه و مالیات و قوانین و ... گله‌مندند...

خب از اینطرف هم کلی فارغ‌التحصیل بیکار دیدم که دنبال کار بودن و تقاضای کار داشتن و کار مناسب پیدا نمی‌کردن ... از طرفی هم کلی شرکت نساجی بوده که دنبال مهندس و متخصص می‌گشته و پیدا نمی‌کرده ... از این طرف با محیط‌های بی‌انگیزه و ناامید دانشجویی ارتباط داشتیم و از اونطرف با وضعیت حاکم بر دانشگاه‌ها و مسائل و مشکلات اون ... خلاصه بگم با نهایت بدبینی‌ها و ناامیدی‌ها و بی‌انگیزی‌ها دست و پنجه نرم کردم ... اما همیشه امیدوار بوده و هستم ... چرا که همیشه کسانی هم بودن که تغییر اعتقاد داشتن و امیدوار بودن با تغییر تفکرات و عملکردها اوضاع بهتر بشه ...

بالاخره این همه مهندس و متخصص نساجی جوون اگه به کم پشت هم باشن و انگیزه داشته باشن حتماً می‌تونن شرایط جدیدی رو ایجاد کنن ... همین بحث‌های تخصصی و سوال جواب‌های کلوب کلی ایجاد انگیزه می‌کنه که همه چیز مشکل برون سازمانی نیست و به چیزایی هم هست که تخصصه و فنی و اون کار مهندس نساجی...

مثلاً یکی از دوستان که جزو مدیران ارشد خوب و جوون و متخصص صنعته. سوالاتی که تو کلوب طرح کرد برام خیلی جالب بود به من که کلی امید و انگیزه داد این دقیقاً همون مشکلی که صنعت و دانشگاه و مدیر و متخصص ما با اون درگیره و حرکت‌های این شکلی می‌تونه این مشکل رو حل کنه ...

امروز که کامنت‌ها رو مرور کردم و برای چاپ تو نساجی امروز انتخاب می‌کردم، دیدم مجموع و برآیند بحث‌ها و کامنت‌ها از سطح بالایی برخوردار بودن و بدون تردید تقویت و جهت‌دهی این حرکت می‌تونه به جریان فکری جدیدی رو تو صنعت تزریق کنه ... بقول دکتر سلطانی تو چت روم نوشته بود «می‌ریم به جنگ ناله‌ها ...»

این هم می‌تونه ماموریت قشنگی باشه... همه با هم با به تفکر نو و با به انگیزه جدید می‌ریم به جنگ ناله‌های قدیمی ...



ن.س.: بیابید برویم به جنگ ناله‌ها، ناامیدی‌ها و هراس‌ها، بیابید آینده‌مان را خود بسازیم... بیابید عوض شویم... بیابید از خودمان شروع کنیم... بیابیم باور کنیم که ۸۰٪ مشکلات از خود ما است... بیابید باور داشته باشیم خودمان را...

ا.س.: اول از همه باید از خودمون شروع کنیم. اگه هر جایی که کار می‌کنیم و اسش دلسوزی کنیم و اونجا رو مال خودمون بدونیم خیلی از مشکلات حل می‌شه. مدیران هم باید به نظر کارمندانشون احترام بذارن. متأسفانه عواملی که باعث بی‌انگیزگی در محیط کار می‌شه، همه اینها روی کارمندان اثر می‌گذاره و همه می‌خوان فقط ۸ ساعتشون رو پر کنن. خوب معلومه که توی این محیط هیچ کاری درست انجام نمی‌شه و اگه هم انجام بشه با کلی غرغر و استرس هستش.

ع.س.: شاید براحتی بتونم بگم در ۲ یا ۳ صنعتی که از نزدیک باهاش درگیرم و یا دوستانم درگیر هستن بیش از ۷۰ درصد از پتانسیل کاری همه افراد در موارد برون سازمانی تلف می‌شه. متأسفانه در این ۱۵ ساله که در بازار کار هستم با مسایلی طرف شدم و تجربه کردم (که البته نمی‌شه در اینجا گفت!) که می‌فهمم موندن در این بازار و حفظ شرکت‌های خصوصی چقدر نیاز به انگیزه و علاقه داره. باور کن چیزایی دیدم و با مشکلاتی طرف بودم که اگه تعهد کاری به خودم و به پرسنل شرکتون نبود تا حالا ۱۰۰ بار رفته بودم مسافر کشی! (-) همین چند وقت پیش با یک دوستی که از صنف پارچه فروشان قدیم بازار بوده و در بعضی از این نهادهای نظارتی هم مشاور هست و دستی توی کار داره یک مسایلی از مسئولینی که چندین ساله در مسند نساجی کشور هستند و شما همه را می‌شناسی گفت که من اشکم برای صنعت نساجی در اومد.

در هر صورت بعضی وقتها آدم فکر می‌کنه که یک جریان هدایت شده داره همه را به سمت نابودی می‌بره. بگذریم، زیاد حرف زدم. موفق باشی و مثل همیشه پرنرژئی و با انگیزه.

م.ز.: بزرگترین مانع پیشرفت خود ما هستیم؛ افکار، تعلقات، غرور... هنگامی که به جهت محافظت از خود در برابر آسیب عوامل بیرونی برای خود قلعه‌ای می‌سازیم؛ آن قلعه قبل از هر چیز، زندان خود ما می‌شود که نابودی و مرگ تدریجی را بر ایمان به ارمغان می‌آورد.

و.ح.: جناب مهندس، مطالبی که گفتید در مورد نت، مدیریت انرژی و ... مطمئن باشید که تو کارخانجات داره انجام می‌شه (کارگاه‌ها رو منظورم نیست) اما برای انجام این دسته اقدامات بطور کامل، باید قوانین برون سازمانی هم در صورتی قرار بگیره که همراستا در جهت رفع عوامل درون سازمانی باشه. شما به هیچ عنوان نمی‌تونید که عوامل درون سازمانی رو با برون سازمانی رو تو صنعت نساجی برای زمان طولانی جدا کنید، تاکید می‌کنم برای مدت طولانی. عبارتی درون و برون سازمانی به معنای واقعی‌اش تو صنعت نساجی معنا نداره. البته این فقط نظر من بود و لاغیر و حتماً اشتباه تو یک نظر و تفکر وجود دارد.

س.ا.: من از وقتی که وظیفه مادری رو به عهده گرفتم از صنعت

نساجی و تخصصم به کم دور شدم، اما هر وقت به سر به این کلوب می‌زنم و این کامنت‌های جالب رو می‌بینم، دوباره حس مهندس نساجیم گل می‌کنه و انگیزه‌ای می‌شه برام که انشاءالله اگر عمر باقی بود، چند مدت دیگه که خواستم به دنیای کار و صنعت و دانشگاه برگردم، با انگیزه بیشتری فعالیتیم رو از سر بگیرم. واقعاً به همه نساجان فعال و امیدوار خسته نباشید می‌گم و امیدوارم من هم در آینده البته به همراه دخترم بتونم به کار مفید تو این صنعت انجام بدم.

م.ح.: سیاست‌های کلان دولت (حکومت) آزاردهنده‌تر و غیرمسئولانه‌تر از قوانین در زمینه‌هایی مثل بیمه، مالیات و ... هست. اگر چند که بهبود برنامه‌ریزی و مدیریت در سودآوری نقش خیلی مهمی داره ولی بی‌مسئولیتی و خرابکاری حاکمیت در اقتصاد، انگیزه سوز و از بین برنده قدرت رقابت با خارجی‌ها است.

ش.ا.: حوالی ظهر کامنت‌های دوستان رو خوندم خیلی فکرم مشغول این موضوع بود می‌خوام به چیزایی بنویسم که شاید تو روال عادی نمی‌گفتم... اما سوال اینه که آیا قانون مالیات یا بیمه یا ارزش افزوده یا قانون کار و گمرک و ... که تو صنایع نساجی اجرا می‌شه با بقیه صنایع فرق داره؟ یا درصد بهره بانکی برای این صنعت با بقیه صنایع فرقی داره؟ حداقل الان ۱۵ سالشو من به یاد دارم که همه از این قوانین می‌نالند... آیا قانونی عوض شده؟ آیا شرایط ویژه‌ای برای نساج‌ها فراهم شده؟ جز این جو عمومی منفی نسبت به نساجی حاصل دیگه‌ای هم داشته؟

موضوعی که می‌خواوم بگم اینه که فکرم مشغول این موضوع بود که مسولین مدیران متخصصین و مهندسين در طول این سال‌ها اگر بجای ناله و فغان از شرایط عمومی کلان صنعت (و یا حداقل در کنار آن) به توان تخصصی و پتانسیل‌های فنی و تخصصی هم توجه می‌کردند و به این باور می‌رسیدند که برای حضور در بازار (چه داخلی و چه خارجی) باید به تخصص و دانش متخصصین و مهندسين و ارتقا توان آنها اندیشید... و یا نشست‌ها و کنفرانس‌ها و همایش‌هایمان رنگ و بوی کاربردی و فنی و رقابتی بخود می‌گرفت... آیا امروز متخصصین و مهندسين ما در این جایگاه بودند؟ من بارها از زبان مسولین و دست‌اندرکاران شنیده‌ام که صنعت اینقدر بحران و بدبختی داره که مسائل فنی و منابع انسانی و آموزش و ... اصلاً اولویت نیست... صنعت اینقدر مسائل مهمتر داره که تحقیق دانشگاهی تو اولویت نیست... صنعت اینقدر بدبختی و گرفتاری داره که این بحث‌ها اصلاً تو اولویتش نیست... فعلاً با به محتضر طرفیم، اول باید شرایط اورژانسی براش فراهم کنیم... این ایده‌ها مثل

اینه که به بیمار مرگ مغزی رو ببری برای جراحی زیبایی... اینها واقعاً دردند... اگر ما در طول این سال‌ها به این بحث‌ها هم توجه می‌کردیم امروز طراحی محصول بازارشناسی و بازاریابی ما متفاوت بود باور بفرمایید اگر مدیران مهندسين متخصصین و کارآفرینان ما در طول این سال‌ها در کنار آه و ناله‌ها به کیفیت و مهندسی محصول و طراحی محصول رقابتی هم می‌اندیشیدند امروز این روحیه بی‌انگیزه رو تو صنعتمان شاهد نبودیم... و امروز ترک‌ها بدنبال طرح‌ها و محصولات ما بودند... و متأسفانه این روند سبب شده که مباحث فنی و کاربردی و تخصصی در اولویت پایین‌تری قرار گیرد و وقتی چنین شد خواسته و ناخواسته مهندس و متخصص هم جایگاه خود را در صنعت از دست می‌دهد... آری متأسفانه شرایط امروز ما حاصل عملکرد بد ما در گذشته‌ای نه چندان دور است...

س.ا.: من از وقتی که وظیفه مادری رو به عهده گرفتم از صنعت





البته به نکته مهم که امیدوارم دوستان توجه کنند اینست که نباید برای جبران اشتباهات گذشته باز هم مرتکب خطا شویم ... لذا امیدوارم دوستان عزیزی که در رد یا قبول نظرات دوستان اظهار لطف می کنند نوک پیکان رو به طرف سرمایه داران کارآفرینان و مدیران نگیرند تا شرایط از این هم که هست بدتر شود و خدای ناکرده جبهه جدیدی بر علیه تخصص و تخصص گرایی ایجاد شود... ما امیدواریم که در سیه همدلی و هم افزایی شرایط بهتری را تجربه کنیم و همه با هم برویم به جنگ ناله ها... به امید روزی که هر یک از اعضای کلوب پیام آور امید و انگیزه و تغییر در نگرش حاکم بر این صنعت باشد و این مهم محقق نخواهد شد جز با تلاش و تعهد و پیگیری...

تخصص هنوز هم در طراحی محصول و حضور مستمر در بازار رقابت حرف اول را می زند بدون تردید ایشان که تجربه عملی خوبی در این صنعت دارند موضوع را از روی بی اطلاعی و سرگرمی مطرح نکرده اند شاید جهت گیری های جدیدی در بازار فرش در راه باشد ... (-) حالا تجسم کنید بحث های فنی و تخصصی این چینی موضوع نشست ها و همایش ها و گپ و گفت های نساجا باشد... چه شود صنعت نساجی این کشور و چه شود جایگاه و شان متخصص و مدیر در این صنعت... همه با هم بریم به جنگ ناله ها...

و.ا.: کارخونه دار هم مشکلات خاص خودش رو داره. قطعاً مهندسین صنایع که خب بحث ما بیشتر روی نساجی است بهترین منبع حل مشکلات کارخونه دار هستند حتی مشکلات برون سازمانی و ... دولت حمایت چندانی از صنعت نمی کند البته بی ادبی نشود دولتی ها در حد حرف خیلی خیلی حمایت می کنن و جای تشکر هم دارد! ولی دوستان خودمان مقایسه کنیم حمایت ها و قول های کارفرماها با ثبات تر است یا دولت؟ من که خودم تجربه بهتری از قول صنعتگر دارم به نسبت دولت، خب حالا اون کارخونه دار چه کنه وقتی دولت به حرف می گوید ازت حمایت می کنه ولی به وقتش میزنه زیر قول و قرار و قانونهاش! صنعتگر به دو گروه امیدوار است و بر اساس آن می تواند تولید انگیزه کند یکی حمایت دولتمردان و دیگری تکیه بر تخصص نیروهای مجموعه اش. دوستان قضاوت کنن دولت که روی حمایتش اصلاً نمی شود حساب جدی باز کرد. می ماند حمایت دومی که نیروهای مجموعه اند و در راس آنها مهندسان و مدیران میانی. به نظر می رسد انصاف نباشد با حتی با وجود برخی بی مهری ها بخواهیم به جای بر دوش کشیدن بخشی از این خلا حمایتی، به وسعت آن بیشتر دامن بزنیم. صحبت هایم در حمایت از گروه یا شخصیت های خاصی نیست فقط باید ما واقع بینانه به موضوع نگاه کنیم. صنایع نساجی به فکر و تخصص و تلاش مهندسین خود چشم دوخته اند نه به حمایت های دولت و معجزه... مهندسان ما رسالتشان آه و ناله نیست، رسالتشان فکر کردن و فائق آمدن بر مشکلات است. نباید بنشینیم تا مشکل پیش آید بعد برویم دنبال حلش نتوانیم بعدش می شود آه و ناله، به نظر من آگه آه و ناله ای هم هست باید به کم تلاشی و کم فعالیتی و خود تحریمی خودمان بنالیم. انگیزه آنست که هدف داشته باشی و هدف همه ما چه کارخانه دار و چه سرمایه دار و چه مهندس و کارگر چرخاندن صنعت آنهاست به بهترین نحو ممکن است. در این شرایطی که دنیا به روی ما شمشیر کشیده که خب دلیلش رو به دلایلی معذوریم از بیانش چشم امید صنعت به فکر و ایده و تلاش ماها دوخته شده و باید باور کنیم که هر تکنولوژی که امروز در دنیا وجود دارد ساخته دست بشر است و چیزی دست نیافتنی نیست حتی تغییر فکر مدیریتی برخی کارخانه دارها و مدیران مجموعه ها و در نهایت سوق دادن فکر آنها به سمت ایجاد انگیزش و بها دادن به نیرو و تخصص و علم و

خلاصه کلام بهبود وضعیت ارتباط با صنعت دانشگاهها.

م.ز.: بزرگترین مانع پیشرفت خود ما هستیم که با مواردی نظیر غرور، خود محوری، خود بزرگ بینی و پیش داوری خود را اسیر می سازیم و در زندان افکار خویش به دنبال منطق سازی برای ناکامی های خود می گردیم. اشتباه نکنید. من هم در همین مملکت زندگی می کنم و از ناکارآمدی سیاست ها و شرایط مطلعم؛ اما بارها و بارها از خود پرسیده ام: من برای بهبود شرایط چه کرده ام؟! اگر نوآوری نتیجه تضاد است؛ من در تضادهای موجود به چه نوآوری دست یافته ام؟! اگر خلاقیت بواسطه کمبود منابع ایجاد می شود؛ من که مدعی این کاستی هستم، چه خلاقیتی از خود بروز داده ام؟! اگر در ارتباط بین کارآفرینان و صاحبان صنعت با متخصصین و مهندسین اعتماد کافی وجود ندارد؛ من برای ایجاد اعتماد و ارتباط موثر چه تلاشی کرده ام؟! دوستان! یکی از اولین پست هایی که در این کلوب ایجاد گردید، پرسش راجع به وضعیت فعلی و آینده صنعت نساجی و پوشاک در ایران بود. من دلایل خود را دارم که در آینده صنعت نساجی ایران از قوی ترین صنایع نساجی دنیا خواهد شد و این دلایل را در یک پست جداگانه توضیح خواهم داد. پس ما متخصصین نساج باید با خود تصمیم بگیریم که آیا در شکل گیری این قدرت، خود نقش مستقیم خواهیم داشت و یا دیگران آن را برای ما ایجاد خواهند کرد و ما کارگران آن خواهیم بود!

... بیاید با ایجاد خلاقیت و نوآوری، پشتکار و جدیت، یادگیری روش های ارتباط موثر و هدفمند و از همه مهم تر نوشتن هدف و رسالت خود، خودمان گرداننده آینده خودمان باشیم.

ن.ا.: خلاقیت و نوآوری به واسطه کمبود منابع ایجاد می شه اما به شرطی که از این خلاقیت و منابع اندک در راه درست استفاده بشه. متأسفانه در کارخونه های دولتی از این خلاقیت و منابع مالی اندک (شاید اندک !!! چون بیشترش به جیب آقایون سرازیر می شه) به درستی استفاده نمی شه و نهایتاً باعث سرخوردگی پرسنل و مهندس ها و کارگران می شه. من خودم شاهد بودم که در کارخونه ای با قدمت ۴۰ ساله که رو به ورشکستگی داشته به روزنه امید پیدا شده بود و همه پرسنل کارخونه دست به دست هم دادن که پروژه انجام بشه و در این راه همه جور خلاقیتی هم بکار گرفته شد و چقدر کارگرها خوشحال بودن که بالاخره کارخونه پابرجا هستش. ولی در نهایت معلوم شد که با دستگاه های موجود امکان انجام پروژه وجود نداره. همین موضوع باعث سرخوردگی همه پرسنل شد. هزینه زیادی که توی انجام این پروژه مصرف شد اگر از همون ابتدا ۲ تا دستگاه جدید خریداری می شد بسیار به صرفه تر از این کاری بود که مدیران این کارخونه انجام دادن و باعث افزایش بیشتر بدهی های این کارخونه و سرخوردگی هرچه بیشتر پرسنل شدند. در شرکت ها و کارخونه های دولتی از خلاقیت و نوآوری پرسنل (کارگر یا مهندس) بدرستی استفاده نمی شه و منابع مالی هم در راه صحیح مصرف نمی شه.

م.ز.: اجازه بدید توضیح حاتم را با یک مثال شروع کنم: فرض کنید من می خواهم یک روز تعطیل را به تفریح مشغول شوم و در فکرم هست که به یک پارک بروم. پس از خود می پرسم من به کدام پارک بروم؟ با همین سوال من خود را محدود کردم و توان نوآوری موثر را از خود گرفتم. زیرا فکر من به پارک ها محدود می شود؛ ممکن است اگر فراتر از پارک فکر می کردم، تفریح جدیدی برای خود پیدا و یا حتی آن را ایجاد می کردم. من باید از



سخت در اشتباه است... اگر قرار است که مشکلی نباشد، پس مدیر و مهندس برای چه می خواهد!!!!؟؟

۲- من معتقدم که در مشکلات کشور، همه ما به نوعی مسئولیت داریم... حتی با سکوتمان نیز به نحوی مسئولیم...

۳- در این یک ماه گذشته، در بین تولیدکنندگان مسائل زیر را از نزدیک دیده ام،

- یکی از شرکتهای تحت مسئولیت خودم از مشکلات متعددی رنج می برد، بعد از بررسی دیدم مهمترین مشکل خودم هستم!!!!

- در یک شرکت نساجی، صاحب شرکت حاضر بود بیش از یک میلیارد تومان سرمایه معطل بماند، ولی زورش میامد یک میلیون تومان حقوق به یک مهندس بدهد... به عبارت دیگر حاضر بود سرمایه اش هرز برود، ولی چشم نداشت ببیند یک نفر مهندس حقوق بگیرد... (نه خود خورد، نه کس دهد...)

- در حتی برخی بزرگترین شرکتهای نساجی کشور دیدم که اصلاً اعتقاد به مهندس وجود ندارد...!!!! و مهندس یک نوع کارگر محسوب می شود!!!!

- در عین ناله از مشکلات، در عمل وضع همه خوب بود... همین امروز از یکی از آشنایان قصد خرید پارچه داشتیم، ایشان ۴۰٪ روی قیمتهای پارسل گذاشته بودند... بعد از محاسبه کوچکی دیدم که ایشان فقط برای بافت پارچه معمولی نساجی متری ۱۵۰۰۰ زبال دستمزد بافندگی در نظر گرفته بودند

(نوش جانشان)... به عبارت دیگر یک دستگاه بافندگی ۲۵ میلیون تومانی (با سوله و ... ۵۰ میلیون سرمایه گذاری) سالی بیش از ۷۰ میلیون تومان درآمد!!!!

یعنی حداقل سود خالص بالای ۵۰٪

- وقتی که ۳-۴ دستگاه بافندگی دست دوم (مدل حداقل ۲۰ سال پیش) در یک انباری، با بافت پارچه خیلی ساده، خرج یک خانواده را می دهد، هیچ

کس حق ندارد بگوید صنعت مشکل دارد و ضررده است!!!!؟؟

- مهمترین و اصلی ترین مشکل صنعت ما تصمیم گیران ارشد (مالکین و مدیران) شرکتهای هستند... بزرگترین بدبختی ما وجود عده ای مالک، مدیر و همچنین مهندس در صنعت است که سخت پرت از تولید هستند!!!!

- در یکی از کارخانجات دوستان، مدیرعامل شرکت انتظار داشت با حضور در دفتر مرکزی تهران و ... از راه دور، شرکت خوب کار کند!!!!؟؟؟؟

۴- خوب حتما می گویند که حالا چه می توان کرد؟؟؟

- بخش عمده ای از صنعت دارد کم و بیش کار می کند... و اگر مشکلی

هست، مدیریتی هست...

- بخشی از کارخانجات توجیه ادامه کار ندارند و باید بسته شوند (امری طبیعی است)

- بقیه کارخانجات نیز با روشهای مهندسی می توانند به سوددهی برسند...

- البته با توجه به مسائل موجود کشور و ... دولت نباید انتظار برگشت سرمایه ثابت (وام بانکی) را داشته باشد... کمتر کسی توان بازپرداخت آن را دارد...

همین که چرخ بچرخد و دهها نفر شاغل شوند، بس است.

.....بنده همین جا اعلام می کنم که حاضرم موارد بالا را در هر شرکت و واحد تولیدی ثابت نمایم!!!! از ماست که بر ماست

ر.ا: به خدا که حرف دل شخص بنده را زدی، من قویاً باهات موافقم و من هم حاضرم مستندات قوی برای خوب بودن اوضاع انهایی که می نالند

بیاورم و ثابت کنم که نساجی یعنی پول پارو کردن به شرط خارج کردن مغزهای بعضی مدیران از حالت سکون و فیسلی،

م.د: زدی وسط خال مهندس جان

خود بپرسم: "برای سرگرمی چه کاری می توانم انجام دهم؟" ... "دیگران چه تفریحاتی را پی گرفته اند و از کدام لذت بیشتری برده اند؟" ... "افرادی با روحیه من از چه تفریحاتی لذت می برند؟" ... "چه تفریحی بیشترین هیجان را به من می دهد؟" و ... با این پرسش ها توان نوآوری و خلاقیت در من توسعه می یابد و موثر واقع می شود.

همیشه برای پاسخ به یک سوال، باید سعی کنیم به چند مرحله قبل برگردیم و آن را از خود بپرسیم. سوالاتی ساده، اما موثر و بدون وابستگی و قضاوت شخصی. اینطور خود ما هم توسعه پیدا می کنیم. تجربه شما کاملاً درست است. اما در همان تجربه که ذکر کردید؛ به نظر می رسد که افراد عاشق مسیر شده بودند و نه عاشق هدف! آیا نمی بایست از ابتدا، هدف پروژه مورد نقد قرار می گرفت و امکانات و قابلیت ها ارزیابی میشد؟ ... و یا اصلاً جذابیت یک نوآوری برای سیستم دولتی مورد چالش قرار می گرفت؟! ... گاهی وقت ها اشتباه ما در انتخاب است. به نظر من مدیر آن پروژه باید اولین اشتباه را در خودش جستجو کند ... اگر او به جای آنکه به دنبال یافتن دلایل شکست پروژه باشد؛ سوالاتی ساده از این قبیل را از خودش بپرسد. "چرا این پروژه انتخاب شد؟" ... "چرا از ابتدا هدف نهایی شبیه سازی نگردید؟" ... "چرا قابلیت های جذب سیستم برای نقطه هدف ارزیابی نشد؟" و چراهای ساده دیگر! آنوقت به این نتیجه می رسید که او چیزهایی را نمی داند که باید یاد بگیرد! استادی زیبا می گفت: "وقتی به یک ایرانی کاری را محول میکنی؛ او اول با خود می اندیشد که چه چیزهایی می داند و بنابراین اشتباهش را همیشه تکرار می کند. اما وقتی از یک ژاپنی کاری را می خواهی؛ او ابتدا بررسی می کند کجایش را نمی داند؛ و قبل از هر چیز به دنبال یادگیری آن می رود و هر دفعه متفاوت و بهتر از قبل انجامش می دهد.

ن.ا: دقیقاً همین است. متأسفانه عده ای در بالا نشسته اند و فکر میکنند که همه چیز را میدانند و تصمیم نهایی را هم میگیرند غافل از اینکه راهی را که انتخاب کرده اند به بیراهه میرود و بیشتر باعث ضرر و زیان به سیستم میشود.

ا.ه.ا: مشکلات صنعت بسیار پیچیده و گره خورده با همه همشونم بهمیدگه ربط دارن! وقت زیادی لازمه و کار زیاد که شاید بخشی از اونا حل شه.

م.ف: جانا سخن از زبان ما می گویی، خیلی خوبه مهندس، جدا فوق العاده س این دستنوشته!

ع.ا: من یک دانه ام. هر جا مرا بیاشی، جوانه خواهیم زد.

ش.ا: مهندس الف. عزیز من کامنت به اون مفصلی گذاشتم که مفهوم به این قشنگی که نوشتی رو بروسونم... یعنی ما متخصص ها هستیم که هر جا میریم باید امید و سرسبزی و برکت بیاریم... ممنون (-))

ا.س: ناله کردن تولیدکنندگان نساجی، چند مورد را می خواهم به عرض دوستان برسانم...

۱- بحث مشکل و چالش بحثی عمومی است و همه درگیر آن هستند... همه دنیا هم به نوعی درگیر چالش هستند... زندگی همین است ... All life is problem solving... اگر کسی فکر می کند جهان جای تن آسایی است،



۴۴

الف.ق.: دوستان سلام چند بار اینجا در مورد رشته نساجی و خرابی وضعیت این صنعت و پایین بودن حقوقها صحبت شده خیلیها ناامید بعضیها هم امیدوارند پای یکی از این بحثها من هم نظرم رو دادم اینجا می خوام مفصل تر صحبت کنم. بیا بید با یک مثال شروع کنیم:

تو همه شهرها مکانیک و صافکار خودرو به تعداد زیاد هست. تعداد زیادی انقدر سرشون شلوغه که باید کلی در نوبت بمانی در عین حال تعدادی هم در حال مگس پرانی هستند. در شهری که وضعیت خودروها به هر دلیل خراب باشه حال خود خودروها مشکل داشته باشند. رانندهها مشکلات فرهنگی و آموزشی داشته باشند قوانین و مقررات رانندگی نادرست باشه و درست اجرا نشه خرابیها و تصادفات هم زیاد میشه و نون تعمیرکارها هم تو روغن... وضعیت صنعت و ... ما هم مثل شهر مورد مثاله ما هم مثل تعمیرکاران. مهندسین نساجی در بهبود وضعیت صنعت به سهم خودشان بسیار تاثیر گذارند کم نیسیستند متخصصینی که شرکتها رو از ورشکستگی و تعطیلی نجات دادهاند یا به رونق آنها افزودهاند. به لحاظ حقوقی هم کسانی که حقوقهای بالا می گیرند کم نیستند.

یک مثال:

حدود یک ماه پیش یکی از دوستانم که شیمی نساجی خونده خواست با یه شرکت جدید قرارداد ببندد با ۱۵ سال سابقه کار روی سه میلیون و پانصد هزار تومن و ده میلیون تومن وام که نصف آن بلاعوض باشه توافق کردن، کارفرمای قبلی که خبردار شد امتیاز بیشتری داد و نگهش داشت. کار به درگیری بین دو کارفرما و ... تمام شد. کم نیستند دوستانی که در چند شرکت مشاورند و درآمدهای خوب دارند. دوستان جوان تر من نباید ناامید باشند. سالهای اول کارم مدیر هفتاد ساله ای داشتیم که دائم می گفت: در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن / شرط اول قدم آنست که مجنون باشی... با آرزوی توفیق دوستان.

۴۴

ش.الف.: دوستان این مطلب رو تو سایت تاجران دیدم، اشتراکم می گذارم ...

آخرین تحولات صنعت نساجی - چالشها و انتظارات چند هفته ای است که دو موضوع در مورد صنعت نساجی برای ما معمایی شده است. دو مطلبی که به فاصله یک روز از هم منتشر شده است از این قرارند:

- ۱۸ تیرماه اکنون گزارش داد که صادرات محصولات نساجی، پوشاک و چرم کشور طی دو ماه نخست سال جاری نزدیک به ۴۰ درصد نسبت به مدت مشابه در سال قبل افزایش یافته است.

- روز بعد از انتشار این مطلب خبرگزاری مجلس به نقل از آقای سید محمد بیاتیان، عضو هیات رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس، نوشت: با هیچ شوکی نمی توان صنعت نساجی را احیا کرد... زیرا صنعت ما در حال احتضار است.

کدام را باور کنیم؟ کدام درست است؟ آیا صنعت نساجی در سال گذشته رشد چشمگیر داشت یا در حال احتضار است؟!

ما تقصیر را به گردن آقای بیاتیان نمی اندازیم. مشکل همان آمارسازیهای گمراه کننده است نه اظهارات بیاتیان. صنعت نساجی شاهد موفقیت چشمگیری نبوده و کماکان مثل بسیاری از فعالان اقتصادی متحمل مشقات بسیار شده است و دلایل آن هم همان دلایل مشترک وضعیت بسیاری از ما است.

در بیانیه مشترک انجمن صنایع نساجی ایران و اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران به مناسبت سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» به نقل از خبرگزاری فارس و همچنین گزارش روزنامه دنیای اقتصاد در مورد این بیانیه مشکلاتی که این صنعت با آن مواجه است با جزئیات بیشتر تشریح شده است که بسیاری از آنها مشکلات مشترک دیگر صنایع کشور نیز هست. برای نمونه به موارد زیر اشاره می شود:

- نابسامانی در بازار ارز و بی انضباطیهای موجود در این بخش هزینههای غیر قابل جبرانی را به واحدهای تولیدی و صادراتی وارد کرده است. اعلام سیاستهای شفاف ارزی و دستورالعملهای تخصیص ارز مرجع به واردکنندگان مواد اولیه و ماشین آلات، زمینه توسعه فعالیتهای صنعتی و اقتصادی را فراهم می کند. ما در وبسایت تاجران به این مسئله بسیار پرداخته ایم. برای نمونه در مقاله چالشهای صنعت خودروسازی مراجعه کنید. همه به مشکلات ایجاد شده به سبب شکاف فزاینده میان نرخ دولتی و آزاد تبدیل ارز آگاهییم هر چند تازه ترین گزارش بانک مرکزی در این خصوص متعلق به یکسال قبل است.

- دخالت نهادهای دولتی و اجرای سیاستهای دستوری مانند کنترل قیمتهای واحدهای تولیدی، پیامدی جز افول کیفیت و کاهش قدرت رقابت اقتصادی و نهایتاً فرصت سوزی نخواهد داشت. قیمت گذاری کالاها باید بر اساس عرضه و تقاضا در بازار آزاد باشد تا امکان پاسخگویی به تقاضای موجود در بازار و رشد سرمایه گذاریهای صنعتی فراهم شود. این هم معضل مشترکی در صنعت سیمان و همچنین فولاد کشور است و البته هر کسی که الفبای اقتصاد را بداند از آن آگاه است! ضرورت آزادسازی قیمتها به خصوص در شرایطی که قیمتها به سبب کاهش یارانهها رو به افزایش هستند و هزینه مواد اولیه بالا می رود و هزینه انتقالات پولی به سبب تحریمها بالا رفته است، بیش از پیش است.

- برقراری مناسبات عادلانه بین دولت و بخش خصوصی منوط به اجرایی شدن کامل قانون بهبود فضای کسب و کار مصوب سال ۹۰ مجلس شورای اسلامی است. ما می دانیم که این مطلب هم تازگی ندارد. این مطلب یکی از موارد ده گانه ای بود که شش سال پیش ۵۰ اقتصاددان در



نامه سرگشاده به آن پرداخته بودند. قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار ممکن است کمکی به این وضع بکند ولی تولیدکنندگان صنایع نساجی به ما یادآوری می کنند که هنوز کار بر سر این قانون به اتمام نرسیده است. ما باید همچنان بر نحوه اجرای این قانون نظارت داشته باشیم و هر موقع لازم بود دولت را وادار به اقدامات سریع تر و یا حداقل نزدیک به اهداف تعیین شده این قانون کنیم.

– استفاده از ظرفیت کارشناسی تشکلهای اقتصادی و مشارکت آنها در سیاست گذاری ها ضمن افزایش اعتماد متقابل موجب غنای تصمیم گیری های بعدی خواهد بود. همانگونه که در مقاله انتظارات از انتخابات آینده ریاست جمهوری تاکید کردیم برای رییس جمهور آینده ضرورت دارد و حیاتی است که به توصیه های ما توجه کند نه به توصیه سایر دولتمردان.

شایسته است این بیانیه مشترک را به شکل کامل مطالعه کرد. این موارد تنها موارد مهم این بیانیه نیستند که به معضلات صنعت نساجی که با بسیاری از صنایع دیگر مشترک است می پردازند. با توجه به مطالبی که بیان شد، کارشناسان تاجران دو توجیه ممکن در خصوص تفاوت دیدگاه دولت با صاحبان صنعت نساجی کشور را ارائه می کنند. تنها دلیل اعلام رشد ۴۰ درصدی صادرات نساجی به نقل از آمار گمرک می تواند ادعای ریاست محترم جمهور، آقای محمود احمدی نژاد، مبنی بر تورم ۶ درصدی باشد و یا اینکه بخش هایی از صنعت نساجی از بخش های دیگر به مراتب وضع بهتری داشته باشند. اظهارات علی رضا حائری، دبیر انجمن نساجی به دنیای اقتصاد می تواند تا حدودی این احتمال را تشریح کند. او گفت برخی از واحدهای تولیدی دسترسی سریع تری به اطلاعات اقتصادی دارند که این امر موجب بروز رانت شده است. دبیر انجمن نساجی معتقد است که واحدهای تولیدی هزینه های اجتماعی یکسانی را پرداخت می کنند، اما دسترسی به بازار و کسب درآمد یکسان نیست به همین دلیل گروهی در این میان سود برده و گروه دیگر متضرر می شوند. این داستانی تاسف بار ولی دیر آشنا است ولی در همین حال فرصتی در اختیار ما می گذارد. برای تغییر و استحکام اقتصاد کشور عزیزمان بهتر است در نظر داشته باشیم که مشکلات هر صنعت مستقل از صنایع دیگر نیست. همان اصلاحاتی که به منفعت و شکوفایی صنعت نساجی کشور کمک خواهد کرد، باعث نشو و نمای صنعت فولاد، سیمان و خودروسازی، کشاورزی و سایر صنایع خواهد شد.

نساجی مشغول به کار می شوند. این کار می تواند نمونه و الگوی ویژه ای در کشور باشد فقط کافی است همت کنیم. ایده ها را ذیل این پست دنبال می کنم. ضمناً من چشم هایم را روی واقعیت نبسته ام. اعتقاد دارم به این که چنین کاری ثمراتش فوق العاده زیاد است. حتی اگر سود قابل توجهی هم نداشته باشد همین که یک کسب و کاری شکل بگیرد با مختصاتی که عرض کردم ... بسم الله

ز.م.: شرکتی چینی با ۴۰ هزار دلار، نام ایران را در المپیک کرایه کرد!

روزنامه خورشید نوشت: جمشید بصیری، دبیر سابق انجمن صنایع نساجی، با انتقاد شدید از چینی بودن لباس های ورزشکاران ایران در المپیک می گوید: «یک شرکت چینی در ازای پرداخت تنها ۴۰ هزار دلار نام ایران را در بازی های المپیک کرایه کرده و برای خود تبلیغ می کند».

وی با طرح این پرسش که آیا نام ایران تنها چهل هزار دلار می آرد و آیا نمی شد سفارش ساخت لباس های ورزشکاران ایران را در المپیک به تولیدکنندگان داخلی داد، گفت: «چین خودش بزرگترین خریدار ماشین آلات نساجی خارجی بوده و این در حالی است که از نام ایران برای تبلیغ در المپیک سوء استفاده کرده است. تبلیغ یک برند چینی در المپیک توسط کاروان ورزشی ایران بزرگترین توهین به ملت ایران است. واقعاً جای تأسف است که کاروان ورزشی ایران در المپیک به جای پوشیدن لباس تولید داخل، لباس ساخت چین را بر تن داشت.»

ا.ش: سلام. می خوام به اعترافی بکنم..

خ.ب.خ: سال ها پیش من که هنوز دانشجو بودم ایده ای همراه با چند تا از دوستان بزرگتر از خودم مبنی بر ایجاد یک فعالیت برای توسعه و عمران شهر خودمان در سر پروراندیم. بعد هنگامی که ما در تهران مشغول تحصیل بودیم، شرکت توسعه و عمران مجد خواف با سرمایه چند ده نفری تاسیس و ثبت شد. بعد کارخانه شیر خواف تاسیس شد.

بعد از آن کارخانه سیمان مجد خواف کلید خورد. بعد پذیره نویسی شد و این شد که شرکتی با حدود ۴۰ میلیارد تومان تاسیس شد و الان دنبال دریافت وام و ... برای رسیدن به سود است (چون برای راه اندازی نهایی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد). الان من و خیلی از همشهری هایم در این شرکت مشغول به کاریم.

من مشاور این شرکت در دفتر تهرانم هستم و هنوز ایده کار جمعی و قطره قطره دریا در ذهنم جریان دارد. می خواستم پیشنهاد بدم برای تاسیس یک شرکت سهامی عام!!! که موسسین اولیه اش فارغ التحصیلان نساجی باشند، اما هنوز مطمئن نیستم که در چه زمینه ای می شه به موفقیت رسید؟ آیا ایده قبلی که بر اساس شناخت اولیه و همبازی اجتماعی چند همشهری شکل گرفته بود قابلیت بازسازی در اجتماعی از فارغ التحصیلان مهندسی نساجی دارد؟ راستش را بخواهید من خودم ایده های زیادی دارم برخی مربوط به رشته من می شه و برخی نامربوط: از تاسیس نیروگاه CHP گرفته (برق و حرارت همزمان) تا مجتمعی برای تولید پوشاک سازگار با محیط زیست یا تاسیس نیروگاه بادی تا حتی سرمایه گذاری در کشور همسایه افغانستان- هنوز به نظرم جای کار دارد.

یک سرمایه حداقلی جمع می شود؛ تعداد زیادی از فارغ التحصیلان





علیرغم تمام علاقه‌ای که به خودکفایی دارم، تمام خریدهای پوشاکم عمدتاً از برندهای خارجی و اولین دلیلش هم کیفیتش و بعد استایل پوششی که می‌دهد.

قسمت سخت این اعتراف اینه که حتی اگه قیمت پایینتر و کیفیت برابر در مشابه ایرانی باشه، خارجیش رو ترجیح میدم!!!

من هم از اونایی هستم که اگه یکی یه کامنت بذاره که مدیریت دانشگاه سیستان بهتر از نساجی تهرانه (تهرانشو واسه نمک اضافه کردم)، دم از برتری این رشته میزنم و هی انرژی مثبت می‌فرستم که آینده از آن ماست و با هم باشیم و ... بچه‌ها به من کمک کنید بدونم: ۱- وقتی یه سلوار بنتون طی ۵ سال گذشته حتی خط اتوش هم تکون نخورده (چه برسه به خرابی کیفیتی یا کهنگی حتی!!)، در عوض ایرانی رو هنوز نوشیدی باید درز و دکمه‌هاشو دوباره بدوزی؛ چرا دوباره خارجی نخرم؟

۲- این بی‌اعتمادی به کالای داخلی تا چه حد واقعیه و تا چه حد فرهنگ یا اعتماد به نفس من مشکل داره؟

۳- منی که خارجی می‌خرم و می‌پوشم چطور می‌تونم به خودکفایی صنعت کمک کنم؟

و... آیا هر کدوم از ما که کم و بیش مشابه این اعتراف‌ها رو تو دلمون نگه داشتیم، با خودمون رو راستیم یا فقط حرف می‌زنیم؟

من دلم می‌خواد یه کاری برای کشورم انجام بدم، شاید چون درسشو خوندم بهتر باشه توی نساجی یه کار مفید بکنم. اما برای مفید بودن باید چکار کرد؟ نمی‌شه همش پای پست‌ها کامنت بذارم که من... این من کجا و چطوری بدردم می‌خورم؟ لطفاً به من بگید...

ت.خ: قضیه اینه که ما اعتمادمونو به کالای ایرانی از دست دادیم و این اتفاقیه که سال‌های سال رخ داده و باعث شده که تو ذهنمون جا بیفته که جنس ایرانی کیفیت نداره و جنس خارجی بهتره. حتی اگه تک و توک جنس ایرانی خوب پیدا کنیم باز هم نظر کلی مون همینه و نمی‌تونیم اعتماد کنیم.

اعتمادی که از دست رفته، خیلی زمان می‌بره تا دوباره برگرده برای این کار باید ثابت بشه که جنس ایرانی مرغوبه و این کار هم با ارائه تولیدات با کیفیت و همچنین تبلیغات موثر در طی سال‌های متمادی قابل انجامه. یعنی یه همکاری همه جانبه می‌خواد همه با هم باید دست به کار بشیم و دنبال راه نجات باشیم. تا فرهنگمونو اصلاح نکنیم کار درست نمیشه. باید از خودمون شروع کنیم.

الف.ش: ط.خ ممنون از توجهت. اما چطوری باید از خودمون شروع کنیم؟ در کنار فرهنگ باید بطور موازی تولیدات هم بهبود پیدا کنه. اون مورد رو چکار می‌شه کرد؟

ع.م: قطب‌های صنعت همه اومدن سرمایه‌گذاری کردن رو علم‌شون تا موفق شدن... مثلاً واسه تکمیل ضد چروک ۱۰ها هزار متر پارچه رو دانشجوهاشون خراب کردن تا یه نتیجه گرفتن حالا تو

ایران دانشجوی فارق‌التحصیل ۱۰۰ متر پارچه خراب کنه چوب تو آستیش می‌کنن... با اینکه حقش هم هست که خراب کنه چون هنوز تازه وارده... اونم تازه با حقوق ۴۰۰ هزار تومن... من و شما هم یکی از اون... من به شما پیشنهاد می‌کنم از این کشور برید هر کس بتونه این کارو بکنه ولی نکنه کار اشتباهی کرده... خدمت به مملکتو اخلاقو این چرت و پرتارم بریزید دور... خدمت به مملکت زمانی ارزش داره که واست ارزش قائل بشن.

ط.خ: هر کسی هر جا که هست این تعهد کاری رو تو خودش به وجود بیاره که باید درست کار کنه باید تا جایی که میتونه کیفیت کالای تولیدشو افزایش بده حالا از هر راهی که به نظرش میرسه میتونه علمشو زیاد کنه میتونه خلاقیت از خودش نشون بده و ... البته گفتم همه از بالا تا پایین باید کمک کنن مسلماً یه نفر به تنهایی نمیتونه کاری بکنه. خیلی دیدم که شرکتی اوایل کارش خوب کار کرده ولی بعد از یه مدتی که جا افتاد، برای پایین آوردن هزینه یه جورایی از سر و ته کار میزنه (که به نظرم نوعی دزدیه) که این اتفاق نباید بیفته. نباید به اعتماد مشتری خیانت کرد.

الف.ه.: یه چیزجالبتر اینکه چندین ساله بنده یادم نمیداد کفش و لباسمو از ایران خریدم باشم بنا به این دلیل ساده که افرادی از خانواده مقیم امریکان و وقتی میتونم با کمتر از ۳۰ دلار کفش نیوبالانس یا پوما و با ۲۰ دلار جین لیوایز و یا رانگلر ... با کیفیتی به مراتب بهتر و با دوامتر از نوع ایرانیو بخرم چرا اینکارو نکنم؟

همه اینا ساخت ویتنام مکزیک چین ... هستن اول فکر میکردم چون چین زده اینارو پس خیلی بی‌کیفیت هستن! مدت‌ها که تو کوه و بیابون پوشیدم تازه فهمیدم که اینا همون جنسهای گرون و اصطلاحاً مارک دارن که تو تهران با سه برابر قیمت و به اسم اورجینال ارایه میشن! اون ذهنیت کالای چینی مدت‌هاست دیگه وجود نداره گرونترین پوشاک کوهنوردی و فنی گورتکس دارو که از وبسایتهای امریکایی خرید می‌کنین غالباً چین میزنه در این دنیای رقابت جایی برای اصرار به مشتری جهت خرید کالای ملی مفهومی نداره باید کالایی با کیفیت بهتر و قیمت مناسب ارایه داد که استانداردهای جهانی رو هم داشته باشه چیزی که در پوشاک فعلاً مشهود نیست.

الف.ه.: وقتی تو خود امریکا جنس چینی با بالاترین کیفیت درو دیوارو گرفته و اثری از **made in usa** حداقل در منسوجات نیست بیان پافشاری کنن که تورخدا محصولات مارو بخرین خارجی فلانه بهمانه مفهومی نداره به‌جا اینهمه صرف انرژی بیحاصل راهی برا تولیداتی پیدا کنیم که توان رقابتیش رو داشته باشیم نه اینکه کارخونه‌جات و با مدیریتهای غلط و محصولاتی بی‌کیفیت و نابجا به بحران و تعطیلی بکشیم رو ساخت محصول نهایی و مشابهاات خارجی مطالعه کافی و درست داشته باشیم.

الف.ش.:

ما هم اگه بخوایم به اونجا برسیم در کنار فرهنگ‌سازی باید با دلسوزی و تعهد بالا کار کنیم. خانواده‌ای که توش پدر افکار بزرگ و مترقی داشته باشه حتماً موفقه و بچه‌ها هم ازش یاد می‌گیرن که بزرگ فکر کنن و متناسب با فکر بزرگشون سخت هم کار و تلاش کنن. وقتی رئیس از تو کار با کیفیت بخواد تو هم به هر دری می‌زنی که این خواستشو برآورده کنی و این یعنی پیشرفت چون انتظار از تو خیلی بالاتره و اجازه نداری که به کم راضی بشی. باید تو فکرت بهترین‌ها رو بخوای تا بهترین‌ها رو به دست بیاری (خواستن توانستن است)

و.ع: به نظر من عمده مشکل پوشاک مارک‌دار و کیفیت بالا نیست چون در حال حاضر قدرت خرید اکثریت مردم در حد بالایی نیست. در بازار متوسط به پایین است که تولیدات ما توان رقابت ندارند. مشکل هم به خاطر طرح و رنگ و تنوع می‌باشد. خلاقیت در حال حاضر می‌تواند چاره کار ما باشد.

چون ما هر چقدر هم خوب کپی کنیم به خوبی اصل نخواهد بود! رنجرزومون باید کارشو عالی انجام بده. طراحمون باید طرح نو دراندازه و ... این به کار تیمی و به هم متصله. یعنی اگه ریسندگیمون درست کار نکنه نخمون مشکل‌دار میشه به دنبال اون رنجرزومون مشکل پیدا می‌کنه و پارچه بی‌کیفیت دست طراح رو می‌بنده ... ما در هر بخشی که فعال هستیم باید این موضوع رو با تمام وجود درک کنیم که کوچکترین کوتاهی از ما باعث ایراد در سیستم و کار تیم رو مختل می‌کنه.

ز.م: الف. د. مشکل اول وجدان‌کاری تو صنف ماست، دوم فرهنگ غلطی که جا افتاده! من خیلی‌ها رو می‌شناسم حتی تو همین یزد که کار از خودشونه مارک برندی خارجی و معروفو می‌زنن روش می‌فرستن تهران دوباره فروشنده می‌ره از اونجا می‌خره!!! این وسط هم جنسه گرون می‌شه هم جنس ایرانی بد!!!

الف.ز: فکر می‌کردم فقط دل من پره!!!! خیلی خوب گفتید و من باید اعتراف کنم که مثل شما از البسه مارک یا غیرایرانی استفاده می‌کنم. اما آیا دیدگاه فقط برند ایرانی است؟ یا چیز دیگری؟

مشکل جای دیگه قرار گرفته (۱) اگر از نمایندگی‌های رسمی البسه مارک که مخصوصاً در تهران به چشم می‌خورند فاکتور بگیریم و در پاساژهای میانه شهر قدم برداریم با صحنه‌هایی از قبیل (انواع تی‌شرت ۹۰۰۰ تومان) (انواع شال ۱۰۰۰۰ تومان) (انواع شلوار جین فقط ۲۵۰۰۰) و ... مواجه می‌شیم... خوب یک سوال؟ با دلار ۲۰۰۰ تومانی و حق گمرک و ارزش افزوده پخش‌کننده و ارزش افزوده فروشنده ... آیا تی‌شرت آدیداس این قیمته؟؟؟ خودم وقتی خریدارم کردم دیدم پنبه پلی‌استر یا ویسکوزه.. واقعاً هم برام مثل یه تی‌شرت خوب کار کرد... وقتی به

۱- من نساج باید ببینم خودم تو حوزه کاری خودم چیکار کردم. ما ها متاسفانه وجدان کاری نداریم.

۲- مشکل بدیم به نظر بنده جریزه نداشتنه. همه می‌خوایم با کمترین کار به بیشترین سود برسیم.

* واضح و مبرهن است!!!

۳- می‌خوام بگم که وقت داره از دست میره و اثنایه هم پامون صبر نمی‌کنه. بیایم اول از خودمون شروع کنیم.

* سوال دارم: از کجای خودمون شروع کنیم؟ فرهنگ، تربیت، وجدان.. اون قدم اولی که همه می‌گن باید برداشت چیه که هیشکی بزبون نمی‌اره؟؟؟

الف.د.: به نظر من وجدانه اونم وجدان کاری. البته من خودمو می‌گم. اولین قدم اینه که آدم از خودش شروع کنه. حالا یا فرهنگ یا وجدان یا تربیت.

ع.م.: الف این موضوعی که مطرح کردی، کار بزرگ و واقعاً بارزیشیه. کسانی که واسه خودشون و کشورشون ارزش قائلند و امید دارن که آینده خوب در پیش داشته باشن، این مسائل براشون مهمه. به نظرم نمی‌شه گفت که فرهنگ و وجدان و تربیت از هم جداست که بخوایم از یکیشون شروع کنیم. اینا همشون باهمند و کسی که وجدان داره حتماً با تربیت و با فرهنگه. در کنار فرهنگ و وجدان باید واقعاً کار کرد. کار سخت و هدفدار. مسلماً کشورهای پیشرفته الان، از همون اولش اینطوری نبودن ولی با فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی و تلاش زیاد به این مقام رسیدن.

ما هم اگه بخوایم به اونجا برسیم در کنار فرهنگ‌سازی باید با دلسوزی و تعهد بالا کار کنیم. خانواده‌ای که توش پدر افکار بزرگ و مترقی داشته باشه حتماً موفقه و بچه‌ها هم ازش یاد می‌گیرن که بزرگ فکر کنن و متناسب با فکر بزرگشون سخت هم کار و تلاش کنن.

وقتی رئیس از تو کار با کیفیت بخواد تو هم به هر دری می‌زنی که این خواستشو برآورده کنی و این یعنی پیشرفت چون انتظار از تو خیلی بالاتره و اجازه نداری که به کم راضی بشی. باید تو فکرت بهترینارو بخوای تا بهترینارو به دست بیاری (خواستن توانستن است)

ط.خ.: الف. د. این موضوعی که مطرح کردی، کار بزرگ و واقعاً بارزیشیه. کسانی که واسه خودشون و کشورشون ارزش قائلند و امید دارن که آینده خوب در پیش داشته باشن، این مسائل براشون مهمه. به نظرم نمی‌شه گفت که فرهنگ و وجدان و تربیت از هم جداست که بخوایم از یکیشون شروع کنیم. اینا همشون باهمند و کسی که وجدان داره حتماً با تربیت و با فرهنگه. در کنار فرهنگ و وجدان باید واقعاً کار کرد. کار سخت و هدفدار. مسلماً کشورهای پیشرفته الان، از همون اولش اینطوری نبودن ولی با فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی و تلاش زیاد به این مقام رسیدن.



دنبال تولیدکننده می‌رویم می‌بینیم کار تولیدکننده داخلی اما با مارک دیگه!!! یعنی برند خارجی که ظاهریه و تقلبی!!!

کفش ملی یک برند قدیمی تولید کفش در ایران است... اما وقتی وارد مغازه‌ها و نمایندگی‌های آن می‌شوید با کفش‌هایی که بر روی آنها آدیداس یا نایک یا ریبوک یا ... حک شده مواجه می‌شوید و برند کفش ملی در کفی کفش شما می‌باشد.

۲) ما در ایران چند تا برند داریم؟ و چند تا از اینها خیلی خوب کار می‌کنند؟؟؟

برند ANO... شرکت شرق جامعه یزد تولید می‌کند. شلوارهای لی با کیفیت قابل قبول... بیشتر دوستان خودم فکر نمی‌کردند این برند ایرانی باشه... (ضعف تبلیغات یا ... مهم نیست در جای دیگه باید بحث کرد)

۳) کفش شاهین برند ایرانی بسیار قابل قبول و خوب در تولید کفش‌های چرمی... که من خودم استفاده کردم و خیلی راضیم. اما همون کفش تولیدی این شرکت که در حال حاضر در پای اینجانب قرار داره مارک کوچی روش خورده و اسمی از شاهین روی آن نیست!!!!

پس به نظر من مشکل اینجاست که ما برند زده هستیم... یعنی اول به برند نگاه می‌کنیم و بعد کیفیت و ... از کجا شروع کنیم؟؟؟... حداقل به خانواده خود و دوستان به عنوان یک دوست خوب نساجی در ارتباط با این موضوعات گفته شده مشاوره بدهیم تا دیدگاه و فرهنگ آنها را نسبت به این موضوع تغییر دهیم ... باور کنید اگر برند خارجی روی لباس نباشد اکثراً کالا را خریداری نمی‌کند. (این نظر منه و انتقادپذیر هم هست)

الف.ش: من تو همین کارخونه که میگی کار می‌کردم. همین جنسا زیر دست من می‌رفت تهران با مارک خارجی! بهترین مارک‌های ترک! بذار یه اعتراف دیگه بکنم: من وجدان اخلاقی خودمو زیر پا گذاشتم (دومین اعتراف) و تن به این کار دادم. دلیل هم این بود که هم می‌خواستم با این مجموعه که یکی از بزرگترین‌ها در خاورمیانه‌س کار کنم، هم بحث مالیش مطرح بود. قضیه همون ویرانیه که پست گذاشتی. متها تا زمانی که ما اینکارا رو بکنیم، وضع همینه.

الف.ز: آقا... خانم... من یه درد دل کوچیک دارم... البته درد دل نیست بیشتر حرص خوردم!!! قبلش توجه کنید: **خیلی از دوستان من تو این کلوپ هستند و من باهاشون خیلی رفیقم و در ارتباط هستیم و من منظورم با این عزیزان نیست...** ما اینجا تو این کلوپ از مسائل مهم نساجی حرف می‌زنیم... بحث کنیم... گفتگو کنیم... اما:

۱) بنده خدا دم از تولیدات داخلی و پوشاک و پارچه و ... می‌زنه و می‌گه که باید از تولیدات حمایت بشه. دولت همکاری نمی‌کنه. آی ای صنعت گران! این دولت لعنتی و ... اونوقت وقتی می‌ری

دنبالش می‌بینی کسی داره این حرف‌ها رو می‌زنه که کانتینر کانتینر منسوجات از چین وارد ایران می‌کنه و بازار تولیدکننده داخلی رو داغون کرده!!!

۲) طرف استاد، فرهیخته، صاحب کمالات و نظر... هر جا هم که بحثی می‌شه با قدرت شرکت می‌کنه... اونوقت می‌بینی جنس وارداتی وارد بازار می‌کنه!!!

۳) همه تحصیل کرده و همه هم نظر جهت حمایت و راه‌اندازی دوباره و شکوفایی صنعت نساجی هستند اونوقت تو نمایشگاه که میری می‌بینی ۹۰ درصد شرکت‌های نساجی بازرگانی هستند...

۴) آقا یا خانم!!! وقتی تو دانشگاه صحبت می‌کنه واقعاً انرژی مثبتی تو دل‌ها پخش می‌شه و به این قدرت می‌رسی که آره ما می‌توانیم!!! چه حمایتی از نیروی متخصص می‌کنه!!! آفرین!! نساجی یعنی صنعت دوم ایران!!! عالی!!! چقدر خوب...

حالا می‌خواهی تو کارخونش کار کنی اینقدر شرایط سخت و بدی برات می‌ذاره که خودت عذرخواهی می‌کنی و از در ورودی بیرون می‌ری...

من متن رو با زبان عامیانه نوشتم چون درد دل بود... باز هم می‌گم قصد توهین به کسی نداشتم... آخه خدا رو شکر شما که جزء اینها نیستید!!! نه؟؟؟؟

ف.ص: این تفکر که واردات به صنعت نساجی ضربه می‌زنه کاملاً اشتباهه. اصولاً در دنیای رقابتی امروز جایی برای این حرف‌ها نیست. باید یاد بگیریم در تولید چه محصولی مزیت رقابتی داریم (در بازار داخلی و جهانی). معنی حمایت قطع واردات نیست بلکه تامین زیرساخت‌های صنعت نساجی در ایران و ارتباط با کشورهای صنعتی دنیاست. به کشور ترکیه نگاه کنیم می‌تونه نمونه خوبی باشه. در ترکیه معروف‌ترین برندهای دنیا کالاهای خودشون رو می‌فروشند ولی صنعت نساجی ترکیه رو به پیشرفت، تازه در بازار داخل ایران این محصولات با کیفیت اروپایی حضور ندارند.

ش.الف: حرف شما درسته اما هر چیزی تو این دنیا وقتی از حد استانداردش بگذره یک آفت به حساب میاد. حتی خوردن آب!!! نه باید جلوی واردات را گرفت و نه باید واردات را به صورت بی‌رویه انجام داد.

ترکیه طبق اصول و استاندارد تمامی قدم‌های خودش رو در این راه بر می‌ذاره... آیا استاندارد برای واردات در کشور وجود داره؟؟؟ آیا فرد واردکننده البسه چینی در ایران که مدرک نساجی هم داره طبق اصول و قانون واردات را انجام می‌ده؟؟؟ یا فقط و فقط به فکر جیبشه؟؟؟

الف.ز: آقای الف اصلاً این آقایون قول میدن از فردا وارد نکنن. تو شخصاً چه کار می‌کنی؟ خوشحال می‌شی؟ تا حالا برای نساجی مملکت چند تا قدم برداشتی؟ از خودت شروع کن از

رویپردازی دست‌بردار، واقع بین‌باش، تلاشگر باش.

نفر اول اقتصاد جهان بشویم هیچ کس نگفت شعار نده ... از خودت شروع کن ... مگه چیکار کردی و... همه گفتن باشه. همت کردن. همدیگر رو تشویق کردن. واردات رو استاندارد کردن و اقتصاد اول شدن... این مشکل ما ایرانی‌هاست.

م.ق.: همین الان خبرنگار از نمایشگاه حجاب و عفاف داشت گزارش تهیه می‌رد. از غرفه‌داران اونجا پرسید این همه چادرهای زیبا با تنوع بالا که ماشالله استقبال خیلی خیلی خوبی هم ازشون شده تولید کجاست؟ جواب دادند: اینا همش خارجیه خیلتون راحت باشه (با لبخند). پرسید چرا ایرانی نیست؟ گفتند: خب معلومه ما ایرانیا تکنولوژی‌ش و نداریم (بازم با لبخند)... حالا هی توی کلوب از امید به آینده و توانایی‌های بالا... کامنت بذاریم... ایشالله درست می‌شه :-((((

ج.د: دوستی در مورد مصاحبه «اورینا فالاجی» با «مائو تسه تونگ» پرسیده بودند که صد البته به کلوب ما مربوط نیست ولی شاید خلاصه‌ای از اون برای آشنایی بیشتر با روش‌های سایر کشورها بد نباشه:

فالاجی در کتاب مصاحبه با تاریخ‌سازانش می‌نویسه که از دفتر مائو وقت ملاقات درخواست می‌کنه و بعد از مدتی بهش خبر می‌دن که باید در فلان شهر (که شهر کوچکی دور از پایتخت بوده) در فلان ساعت جنب فلان چهارراه منتظر بمونه و اون هم اینکار رو می‌کنه و در زمان معهود لیموزینی جلوش ترمز می‌کنه و دعوتش می‌کنن که سوار بشه و وقتی که سوار می‌شه مائو رو تو ماشین می‌بینه! بعد از سلام و علیک متداول متوجه کف ماشین می‌شه که خیسه و مائو که متوجه نگاه اون شده عذرخواهی می‌کنه و می‌گه که چون وقت نداشته، تو ماشین حموم کرده! و سؤال و جواب شروع می‌شه. یکی از سؤال‌های فالاجی این بوده که چرا مائو همیشه لباس‌هایی می‌پوشه که ۸ تا دگمه داره؟ مگه هشت عدد مقدسیه؟؟ و اون جواب می‌ده که نه مقدس نیست و اینکه چینی‌ها فقط دو دست لباس می‌تونن داشته باشن که به این فرم باشه و ظرفیت کارخانجات دگمه‌سازی چین ۲ ضربدر ۸ ضربدر هشتصد میلیون!!! اگه یکی کمتر مصرف کنند ۲ ضربدر هشتصد میلیون دگمه زیاد میارن که چون تو تحریمند نمی‌تونن به جایی بفروشش و اگه یکی بیشتر مصرف کنن ۲ ضربدر هشتصد میلیون کم میارن که کسی بهشون نمی‌فروشه !!!!!!!!!!!!!!!

منظور من تمام عملکرد این مرد و این دولت و این کشور نیست ولی همه بر این باور هستیم که اونها برای همه چیزشون برنامه دارن و این برنامه‌ها رو آدم‌های فهیمشون در سطح کلان طراحی می‌کنن و این برنامه‌ریزی، کار امروز و دیروز و پرپرزشون نیست بلکه سالیان ساله که دارن روش کار می‌کنن.

ع.ح: ع اصلاً بحث وارد کردن یا وارد نکردن نیست...هر چیزی در حد استاندارد باید باشه... من تا دلت بخواد قدم برداشتم... هنوزم دارم فعالیت می‌کنم... چون گفتمی کاری نمی‌کنی بهم برخورد و اینها رو می‌گم وگرنه خودبینی یا غرور یا ... نیست از من میلیون‌ها آدم بهتر است که دارن فعالیت می‌کنند من هم در حد خودم هستم. (۱) ارائه اولین استاندارد توسعه محصول جدید در نساجی (NPD) (۲) برگزاری اولین بازارچه کارآفرینی (مدیر برگزاری) (۳) برگزاری نمایشگاه نساجی (مدیر سالن) (۴) برگزاری همایش نساجی (دبیرخانه، برگزاری کارگاه، بخش مالی) (۵) ارائه سمینار بازاریابی محصولات نانو نساجی (۶) اجرای ممیزی بازاریابی در کارخانه تولید پوشاک (۷) ارائه برنامه فروش و صادرات برای کارخانه فرش... (اسمش رو جدا برات می‌فرستم)

باز هم اگر خواستی رزومه کاری خودم که شامل نوشتن طرح تجاری و استراتژی و ... هم هست برات بفرستم. در ضمن از ایده‌ها و فعالیت‌ها برام بگو ببینم تو چقدر قدم برداشتی... ما هر دو تقریباً هم کلاسی بودیم!!!

الف.ز: درد نساجی و صنعت و درد کشور ایران در حال حاضر کسانی هستند که از آب گل‌آلود این روزها ماهی می‌گیرند. در هر کشوری هم هستند. کارشناسان بانک‌ها که خود و مردم را به چند سکه می‌فروشند و میلیاردها پول مردم را به کام خیانتکاران (بازاریان کارخانه‌دارن!!!) می‌ریزند تا به جای تولید صرف برهم زدن بازار گردد.

مدیرانی که برای درصد ناچیزی پورسانت همه چیز را زیر پا می‌گذارند. بازاریانی که به قیمت تعطیلی کارخانه‌ها نماینده تولیدکنندگان خارجی می‌شوند و تمام وطن‌فروشان فاسدی که متأسفانه دیگر هیچ چیز جز پول برایشان تقدسی ندارد و من تمام اینها را به چشم خود دیده‌ام!!! وگرنه چین فقط برای ایران تولید نمی‌کنده، برای همه دنیا هم به یک قیمت می‌فروشد. چین و... بهانه‌ای بیش نیستند. فساد روزافزون سیستم و رانت‌ها نفس صنعت و کشور و مردم را بند آورده و سالم کار کردن در این سیستم سخت و زجرآور است!

الف.ش: درد دلتون رو به جان شنیدم که درد دل من هم هست. حرفتون متین، با نظر ص و الف هم موافقم. اما چون فقط درد دل بود بیش از این حرفی نمی‌زنم. نمیدونم چرا دوستان اون بالا رو گاهی با میدون جنگ اشتباه می‌گیرن. آقا جان.. درد دله.. باسی بشنوی فقط! چرا ما همه جا می‌خوایم هی نظر بدیم؟؟؟؟

الف.ز: ممنونم خانم ش...وقتی چینی‌ها گفتن می‌خواهیم

